

New and old Information in Linguistics

Jila Mohammadi*

This research will try out to investigate into information structure and discusse items such as new and old information and Finally introduce Prince's categorization of information.

Key words : key structure , new and old Information , Linguistic Context , Situational Context

* M.A.graduate in Linguistics , Allame Tabatabai University

اطلاع نو و کهنه در زبانشناسی

مفاهیمی مطلق یا درجه پذیر؟

ژیلا محمدی^۱

چکیده

در این مقاله ابتدا ساختار اطلاعاتی جمله مطرح خواهد شد و مواردی چون اطلاع نو و کهنه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس در بخش پایانی طبقه‌بندی اطلاعاتی "پرینس" ارائه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: ۱- ساختار کلیدی ۲- اطلاع نو و کهنه ۳- بافت زبانی ۴- بافت موقعیتی

۱- کارشناس ارشد زبانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی

۱- مقدمه

مطالعه و بررسی ساختار اطلاعاتی جمله با مطالعات پژوهشگران مکتب پراگ آغاز شد. لمبرکت (۱۹۹۶) در تعریف ساختار اطلاعاتی جمله می گوید:

"ساختار اطلاعاتی مولفه‌ای از دستور است که در آن گزاره‌ها به عنوان نموده‌ایی از وضعیت امور^۱ با ساختارهای واژگانی و دستوری خاص وفق داده می‌شود."

هدف لمبرکت این است که تاثیر بافت‌های زبانی و بافت‌های موقعیتی بر ساخت‌های نحوی جمله را تبیین کند. وی سعی دارد در کنار عوامل و عناصر صوری، عوامل اطلاعاتی را نیز دخیل کند و نقش آنها را در ساخت‌های نحوی جمله تعیین نماید.

لمبرکت معتقد است که ساختار اطلاعاتی بر صورت جمله‌ها اثر می‌گذارد. منظور از صورت همان عناصر صرفی، نحوی و زبرزنجیری است. در مورد تاثیر ساختار اطلاعاتی بر نحو جمله، ترتیب سازه‌های جمله حائز اهمیت است. به این معنی که وقتی گوینده می‌خواهد قضیه واحدی را در قالب یک جمله قرار دهد، مراحل زیر را طی می‌کند:

الف) ابتدا فرضیه‌ای خلق می‌کند مبنی بر این که نموده‌های ذهنی عناصر سازنده این قضیه باید دارای چه وضعیت اطلاعاتی در ذهن مخاطب باشد.

ب) سپس بر اساس آن مشخص می‌کند که جمله مورد نظر به لحاظ ترتیب سازه‌ها باید دارای چه مشخصاتی باشد تا با وضعیت اطلاعاتی ذهن مخاطب انطباق داشته باشد.

به عنوان نمونه، قضیه "من یک هدیه به علی دادم" می‌تواند بر اساس ارزیابی گوینده از وضعیت اطلاعاتی هر یک از سازه‌ها در ذهن مخاطب، دارای یکی از صورت‌های زیر باشد:

- ۱- من یک هدیه به علی دادم.
- ۲- یک هدیه من به علی دادم.
- ۳- به علی من یک هدیه دادم.

به باور لمبرکت برخی ویژگی‌های صوری جمله را نمی‌توان به طور کامل درک کرد مگر آنکه به بافت زبانی موقعیتی توجه شود. وقتی از ساختار اطلاعاتی سخن می‌گوییم خودآگاهی، دانش و نمودهای ذهنی گوینده از یک سو و شنونده از سوی دیگر مطرح می‌شود. در واقع این ساختارها مطابق با وضعیت ذهنی مخاطبین است که می‌تواند آنها را به عنوان واحدهایی اطلاعاتی در بافت‌های گفتمانی معینی بکار بگیرند و آنها را درک و تعبیر کنند. (لمبرکت ۱۹۹۶) همان طور که در این تعریف مشخص است، لمبرکت ساختار اطلاعاتی جمله را در ارتباط مستقیم با اصول کاربردشناسی و کلام می‌داند و معتقد است که ساختار اطلاعاتی در آن بخش از کاربردشناسی کلامی می‌گنجد که وی نام آن را کاربردشناسی کلامی^۱ می‌گذارد. زبان‌شناس در حوزه کاربردشناسی کلامی، در پی یافتن این نکته است که چگونه عوامل موجود در بافت زبانی و بافت موقعیتی بر ساختار جملات تاثیر می‌گذارد.

۲- جایگاه ساختار اطلاعاتی

لمبرکت در مورد جایگاه ساختار اطلاعاتی معتقد است که این حوزه بخشی از دستور جمله است، همان گونه که ساختار نحوی و ساختار معنایی نیز بخشی از دستور جمله هستند. به باور لمبرکت استفاده از ساختار اطلاعاتی برای توجیه برخی مسائل نحوی بدین معنا نیست که اگر از تبیین‌های اطلاعاتی استفاده کردیم، سپس باید تبیین‌های صوری را کنار بگذاریم یا بر عکس. در واقع یک پدیده نحوی علاوه بر توجیهاات صوری، می‌تواند دارای توجیهاات اطلاعاتی نیز باشد.

۳- تعیین اطلاع نو و اطلاع کهنه

پایه‌گذار مکتب پراگ، ویلم متسیوس و مطالعه ساختار اطلاعاتی در حیطه کاری پژوهشگران این مکتب است. متسیوس جمله را متشکل از دو بخش اطلاعاتی می‌داند. اطلاع مربوط که همان اطلاع کهنه است و دیگری اطلاع آگاهی بخش که در واقع همان اطلاع نو می‌باشد.

وی جمله را به عنوان واحدی اطلاعاتی در درون متن بررسی می‌کند. او در واقع واضح زبانشناسی متن^۱ است. هلیدی از زبانشناسان نقشگرا نیز به پیروی از مکتب پراگ، ساختار اطلاعاتی جمله را متشکل از دو بخش می‌داند ۱- اطلاع نو، ۲- اطلاع کهنه. (براون ویول، ۱۹۸۳: ۱۵۳-۱۵۴)

به اعتقاد هلیدی، اطلاع نو اطلاعاتی است که گوینده می‌داند و شنونده بر آن واقف نیست و از آن آگاهی ندارد و اطلاع کهنه آن چیزی است که به نظر گوینده، شنونده بر آن واقف است و از آن آگاهی دارد. (براون ویول، ۱۹۸۳: ۱۵۴)

هلیدی به بحث در مورد اطلاع قابل دسترس و بازیافتنی می‌پردازد. او می‌گوید، اگر اطلاعاتی برای شنونده قابل دسترس نباشد، آن اطلاع نو است و اگر اطلاعاتی برای شنونده قابل دسترس و بازیافتنی باشد، اطلاع کهنه تلقی می‌شود. در چارچوب دیدگاه هلیدی، اطلاعاتی قابل دسترس و بازیافتنی است که دارای شرایط زیر باشد:

۱- در بافت موقعیتی موجود باشد

۲- در بافت زبانی بیان شده باشد.

۳- بخشی از دانش مشترک گوینده و شنونده باشد

از این رو، اطلاعاتی نو و غیر قابل دسترس است که:

۱- نه در بافت زبانی باشد

۲- نه در بافت غیر زبانی باشد

۳- و نه جزء دانش مشترک گوینده و شنونده باشد (هلیدی، ۱۹۹۴: ۲۹۸)

نکته‌ای که در نگرش هلیدی به پیروی از نگرش مکتب پراگ حائز اهمیت است، این است که او اطلاعات موجود در کلام را به دو بخش تقسیم می‌کند؛ این اطلاعات یا به طور مطلق کهنه هستند یا نو و این در حالی است که بر اساس شم زبانی، مفاهیم کهنه و نو اساساً مفاهیمی درجه پذیرند. بعنوان مثال هنگامی که گوینده اطلاعاتی را به شنونده منتقل می‌کند، بر این موضوع توجه دارد که یک اطلاع برحسب بافت موقعیتی، بافت زبانی، دانش مشترک خود با

شنونده و عوامل دیگر تا چه حد برای شنونده آشنا و کهنه و یا تا چه حد برای او نا آشنا و نو است. به عنوان نمونه، اطلاعی که در صفحات پیشین ذکر شده است اگرچه اطلاعی کهنه است، با اطلاعی که در یک صفحه قبل آمده به لحاظ میزان کهنه بودن اطلاع، یکسان نیست، زیرا شنونده احتمالاً حضور ذهنی بیشتری بر روی این اطلاع دارد و برای وی آشنا تر از اطلاع صفحات پیشین است.

۴- دیدگاه آلن پرینس

یکی دیگر از رویکردهای نقش‌گرایانه در مورد ساختار کلامی جمله مربوط به "پرینس" است. وی در ارتباط با تقطیع دوگانه ساختار اطلاعاتی جمله، صرفاً به دو نوع اطلاع کهنه و نو، معتقد است که چنین نگرشی نمی‌تواند تحلیل درستی از ماهیت اطلاعاتی عناصر سازنده جمله بدست دهد. مبنای این طبقه‌بندی عمدتاً این نگرش است که اگر چه، نوع اطلاعی که گوینده در سخن خود ارائه می‌دهد منعکس‌کننده سنجش و ارزیابی او از دانش شنونده است، این ارزیابی بر اساس آشنایی فرضی^۱ او از ذهنیت شنونده صورت می‌گیرد. وی به الگویی دست یافت که این الگو شامل اشیاء، صفات و رابطه‌های میان اشیاء است. (پرینس، ۱۹۸۱: ۲۳۵)

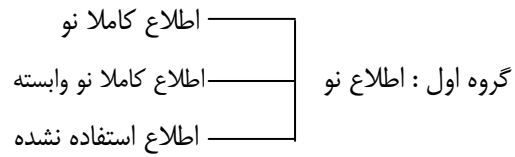
پرینس بدین منظور پیوستاری را به صورت زیر ارائه می‌دهد که بر اساس آن، اشیاء بر حسب آشنایی فرضی شنونده، از آشناترین تا ناآشناترین حالت نامگذاری شده است:

اطلاع کاملاً نو > اطلاع کاملاً نو وابسته > اطلاع قابل استنباط درون مرجع > اطلاع قابل استنباط > اطلاع استفاده نشده > اطلاع برانگیخته.

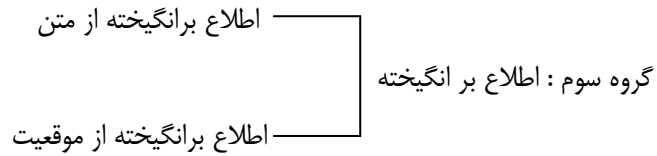
با توجه به این پیوستار، می‌توان وضعیت اطلاعاتی را به سه گروه کلی طبقه‌بندی کرد و برای هر یک از این گروه‌ها زیر بخش‌هایی را در نظر گرفت:

1- Assumed Familiarity

طبقه بندی اطلاعاتی پیرینس بر حسب آشنایی فرضی



گروه دوم : اطلاع قابل استنباط ← اطلاع قابل استنباط درون مرجع



۴-۱- اطلاع نو

به نظر پیرینس این اطلاع سه وضعیت دارد :

۴-۱-۱- اطلاع کاملاً نو^۱ یعنی اطلاعاتی که بر اساس فرض گوینده ، شنونده از آن کاملاً ناآگاه است و برای اولین بار در جریان کلام ارائه می شود . این نوع اطلاع در ساخت های دستوری به صورت اسم نکره مورد ارجاع قرار می گیرد . مانند جمله زیر:

مثال ۲- دیروز به مداد در مدرسه پیدا کردم.

۴-۱-۲- اطلاع استفاده نشده : وضعیت دیگر از اطلاع نو ، اطلاعاتی است که پیرینس آن را اطلاع استفاده نشده^۲ می نامد. این نوع اطلاع جزء پیش‌انگاره‌های شنونده محسوب می‌شود اما در بافت کنونی کلام وجود ندارد . لذا این نوع اطلاع اگر چه در خزانه اطلاعاتی شنونده وجود

1-Brand new information

1- unused information

دارد، از آن جهت که برای اولین بار به کلام عرضه می‌شود، اطلاع استفاده نشده محسوب می‌گردد. نمونه‌ای از این نوع اطلاع را در جمله زیر می‌توان دید:

امروز برادرت را توی خیابان دیدم .

۴-۱-۳- اطلاع کاملاً نو وابسته^۱ که به واسطه اطلاعی برجسته و آشنا در درون یک گروه اسمی به گفتمان مربوط می‌شود .

مثال ۳- مردی که دیروز پدرت باهش دعوا کرد امروز ناهار پیش ما بود.

در این مثال، گروه اسمی "مردی" به عنوان یک اطلاع نو توسط اطلاع کهنه "پدرت" به کلام مربوط شده است .

۴-۲- اطلاع قابل استنباط :

این نوع اطلاع، اطلاعی است که صریحاً در متن یا کلام ذکر نشده است اما شنونده آن را بر اساس اطلاعات و یا موجودیتی دیگر که قبلاً در متن آمده است، درک و تعبیر می‌کند. این اطلاعات به لحاظ روانشناسی در حقیقت جزو عناصری هستند که از کلام قابل بازیافتند و از این رو اطلاع کهنه محسوب می‌شوند. به مثال زیر توجه کنید :

مثال ۴- بافت : وقتی سر پسر در بازی فوتبال شکست، فوراً بردمش بیمارستان
جمله : دکتر معاینه اش کرد و گفت که چیز مهمی نیست .

در این پاره کلام، واژه "دکتر" برای شنونده اطلاعی آشناست اگرچه برای اولین بار در متن بکار رفته است، این امر به این دلیل است که این گروه اسمی قبلاً به واسطه واژه "بیمارستان" استنباط شده است .

۴-۲-۱- اطلاع قابل استنباط درون مرجع یا شامل^۱: نوع ویژه ای از اطلاع قابل استنباط است و در آن سازه ای که از آن چیزی فهمیده و درک می‌شود، در درون آن سازه‌ای قرار دارد که اطلاع قابل استنباط تلقی می‌شود. به نمونه زیر توجه کنید:

مثال ۵- بافت: پلیس دیروز بیست قاچاقچی را دستگیر کرد.

جمله: یکی از این قاچاقچیان برادر دوست من است.

در این مثال "یکی از قاچاقچیان" اطلاعی قابل استنباط است که از طریق خود واژه "قاچاقچیان" استنباط می‌شود.

۴-۳- اطلاع بر انگیزته:

گاهی اوقات موجودیت‌های کلامی که گوینده در جریان کلام به آنها ارجاع می‌دهد به لحاظ اطلاعی از ماهیتی برانگیزته برخوردارند. به این معنا که این اطلاعات برای شنونده یا از طریق بافت زبانی و متن قبلی قابل دسترسی است. پیرینس این نوع اطلاع را اصطلاحاً اطلاع برانگیزته از متن^۲ می‌نامد و یا این که این نوع اطلاع از طریق بافت موقعیتی قابل دسترس است. این نوع اطلاع اصطلاحاً اطلاع برانگیزته از موقعیت^۳ نامیده می‌شود. نظیر عبارات اشاره‌ای مانند: من، تو، این، آن و ...

به اعتقاد براون و یول (۱۹۸۳) اطلاع برانگیزته از متن را می‌توان برحسب ویژگی‌های زیر گروه تقسیم کرد: اطلاع برانگیزته جاری^۴ و اطلاع برانگیزته فاصله دار^۵.

اطلاع برانگیزته جاری، اطلاعی است که بلافاصله در جمله قبل بیان شده است و اطلاع برانگیزته فاصله دار، اطلاعی است که بین اولین و آخرین رخداد، چندین جمله فاصله وجود دارد.

1- containing inferrable
 2-textually evoked
 3- Situationally evoked
 4-current
 5-displaced

۵- نتیجه

در این مقاله با مفاهیمی از جمله اطلاع نو و کهنه آشنا شدیم و در واقع به تفاوت میان اطلاعات جمله و معنای جمله پی بردیم. لمبرکت معنای جمله را متشکل از معنای لفظهای زبانی موجود در جمله می‌داند. در حالی که ارزش اطلاعاتی جمله حاصل تغییری است که جمله در نموده‌های ذهنی شنونده درباره جهان واقع به وجود می‌آورد. ذهن شنونده سرشار از نموده‌های ذهنی درباره جهان واقع است. در واقع، این نموده‌های ذهنی از طریق قضایایی که شنونده از آنها اطلاع دارد، شکل می‌گیرد. لمبرکت اشاره می‌کند که در چارچوب ساختار اطلاعاتی، صدق یا کذب قضایا مهم نیست، بلکه آنچه حائز اهمیت است این مسئله است که آیا قضیه مورد نظر در ذهن مخاطب وجود دارد. به همین دلیل، قضیه‌ای که اطلاعات جدید در آن مطرح می‌شود، از اطلاع نو و اطلاع کهنه تشکیل شده است. (لمبرکت، ۱۹۹۶: ۴۳ - ۵۰)

منابع

- Brown , G & yule , G. 1983 Discourse Analysis. Cambridge : cambridge university press.
- Halliday , M.A.K. 1994 . An Introduction to functional Grammar . 2nd . london : Edward Arnold.
- Lambrecht , K . 1996 . Information structure and sentence form: Topic , Focus and the mental representation of discourse . Referents cambridge : cambridge university press
- Prince , E.F. 1981 . " Toward a taxonomy of Given – new information ". In P. cole (ed.) . radical pragmatics . NewYork : Academic press .223-225